

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

خلاصه گزارش مطالعات موردی

تمام شرط بندی ها منع اند: جوانب دستیابی به توافقات و کنترل مواد مخدر در هلمند و ننگرهار در آستانه انتقال



دیوید منسفیلد

جدی ۱۳۹۲



European Union

۱۳ سال
تحقیق باکیفیت



مترجم: خلیل احمد نوری

طرح و دیزاین: احمد سیر علمیار

کد نشریه: ۱۳۰۲D

© ۱۳۹۲، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه می‌تواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله یی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۹۳ بدست آید.

در مورد نویسنده

دیوید منسفیلد یک مشاور مستقل است که روی نقش کوکنار در زندگی روستایی در افغانستان در هفده فصل پیهم کاشت تحقیق کرده است. وی در حال حاضر در مرکز بین المللی فنیستین دانشگاه تفتس همکاری است.

سپاسگزاری:

کار انجام این تحقیق بدون زحمتکشی همکاران دفتر توسعه و تحقیقات پایدار (Sustainable Research and Development) که در شرایط فزاینده دشوار به تحقیق در محل ادامه دادند. علاقمندی آنان برای انجام این تحقیق در مناطق روستایی افغانستان با دوستان و همکاران که اطلاعاتی کمی داشتند و با گفتن جواب به اینکه "فقط یک سوال دیگر" سرانجام تحقیق در محل انجام یافت، قابل ستایش است.

حمایت تیم Alcis Ltd به طور مشخص حمایت ریچارد بریتون، تیم بوکلی، مات انگل و دلپ و آگ را نمیتوان نادیده گرفت. نقشه برداری و امکانات زمین شناسی نه تنها در یافتن نتایج تحقیق قابل ملاحظه است بلکه بخش اساسی کار تشخیص و دریافت محل مناسب برای تحقیق و توسعه بیشتر نتایج و جمع آوری اطلاعات در محل بوده است. بانه اطلاعات جمع آوری شده از راه دور و سروی در محل، نگاه ژرف و ارزشمندی را پیشرفت های کنونی در افغانستان ارائه میکند، اما چگونگی وقوع حوادث با ادغام هر دو روش در جریان تحقیق، بیشتر توضیح میدهد.

تشکر زیاد از گروهی از همکاران محترم سلطان محمد احمدی، ریچارد بریتون، روری براون، ویلیام بیرد، پیر آناود چووی، مات دوپی، پاول فیشتین، آنتونی فیتزیرت، جونتن گودهاند، مایک مارتین، دیپالی موکوپادیا و غلام رسول بخاطر نظریات شان روی مسوده اولی این گزارش. از وقت و نظریات شان که به این کار اختصاص دادند سپاسگزاری میشود که بدون نظریات با ارزش شان این کار چنین نمیبود. البته هر گونه اشتباهی در گزارش نهایی کار من است نه از کس دیگری.

در آخر جا دارد که از ادامه حمایت و کار تحلیلی کمیسیون اروپا و اداره امور خارجی و مشترک المنافع بریتانیا در مورد نقش خشخاش در ستراتیژی زندگی روستایی در افغانستان، تشکر کرد. بدون وجوه مالی آنان برای انجام این تحقیق، درک عوامل مختلف اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی و که واقعیت های متفاوتی را در روستاهای افغانستان از جمله چگونگی تاثیرگذاری آنان روی چگونگی میزان کشت خشخاش، شکل میدهد، کار دشواری بود و ما ممکن تنها اطلاعات از لحاظ کمی و مقدار در دست میداشتیم که معمولاً بحث روی پالیسی مبارزه با مواد مخدر را به عقب میاندازد.

دیوید منسفیلد

دسامبر ۲۰۱۲

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مؤسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد. این واحد بیشتر از سوی دولت های فنلند، سویدن و سویس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۴ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، اداره توسعه و همکاری سویس (SDC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، پوهنتون آسیای مرکزی (UCA)، بانک جهانی، انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تخنیکی آلمان (GIZ) و سفارت فنلند تمویل میگردد.

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسولیت محتوای این پژوهش به دوش AREU بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی نماید.

خلاصه

موضوع تولید غیرقانونی مواد مخدر به گونه گسترده ای پالیسی برنامه ها در افغانستان را به هم زده است. بر علاوه تمرکز فزاینده همکاران خارجی افغانستان روی سیاست خروج مطابق به خواسته های مطلوب در کوتاه مدت که در آن موضوع مواد مخدر به نوعی مورد قضاوت قرار گرفته است. میزان کشت کوکنار از بلندترین حد آن یعنی ۱۹۷،۰۰۰ هکتار زمین در سال ۲۰۰۷ به ۱۲۳،۰۰۰ هکتار زمین در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است. همچنان شمار ولایاتی که کشت کوکنار در آن به باد فراموشی سپرده شده و به عنوان ولایات "عاری از کشت کوکنار" رده بنده شده اند، افزایش پیوسته ی داشته است. باوجود کاشت دوباره کوکنار در ولایات کاپیسا، بغلان و فاریاب که برای سال های متمادی "عاری از کشت کوکنار" بودند، حتی افزایش ناچیز در کشت کوکنار در سال ۲۰۱۱ یعنی کشت ۱۳۱،۰۰۰ هکتار زمین، کلاً نادیده گرفته شد.

قابل یاد آوریست که حتی آمار مربوط به سال ۲۰۱۲ و تخمین ۱۸ درصد افزایش در ساحات زیر کشت کوکنار با تاکید بر ۳۶ درصد کاهش در تولید تریاک در بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میتواند محسوس باشد، حتی اگر این کاهش ناشی از زمستان بی سابقه سرد در مارچ ۲۰۱۲ بوده باشد. به نظر میرسد که همزمان با برنامه ریزی انتقال امنیتی توسط نیروهای یاری به امنیت یا ایساف، نگرانی ها در مورد روند انتخابات و تاثیرات فزاینده جنگ همراه با افزایش در تلفات غیرنظامیان و سربازان خارجی، سیر صعودی کشت کوکنار نگرانی بزرگ سیاستگذاران و سیاستمداران غربی نیست.

بالنجام تحقیق در ولایت های هلمند و ننگرهار، این گزارش واضح میسازد که متأسفانه چنین خود خوشنودی کاملاً ناموجه است. به ساده ترین لفظ میتوان گفت که این گزارش واضح میسازد که کشت کوکنار در ولایت های هلمند و ننگرهار در سال های ۲۰۱۱-۱۲ افزایش داشته و به این ترتیب تردید های را به میان آورده که آیا این دو ولایت میتواند نمونه موثری برای کنترل درازمدت مواد مخدر در افغانستان باشند. بزرگترین نگرانی، تفاوت های اجتماعی- اقتصادی و روند سیاست که در عقب این افزایش قرار دارند و به معنی کشت تریاک و ثبات در آستانه انتقال امنیتی و بعدتر از آن، یعنی زمانی که عملیات جنگی غرب در دسامبر ۲۰۱۴ به پایان میرسد.

این گزارش شکننده بودن کاهش اخیر در کشت کوکنار در افغانستان را برجسته میسازد و بعد با ارائه تحلیلی روی عوامل مختلفی که منجر به افزایش کشت کوکنار در هلمند و ننگرهار در سال های ۲۰۱۱-۱۲ شده است، نگاهی به میزان اهمیت تجارت غیرقانونی مواد مخدر در اقتصاد سیاسی افغانستان پس از انتقال میاندازد. به گونه مشخص، این گزارش توضیح میدهد که کشت کوکنار تا چه حد به بافت اجتماعی- اقتصادی و سیاسی ولایت های هلمند و ننگرهار گره خورده است. این گزارش همچنان برجسته میسازد که حفظ توافقاتی تا چه حد مشکل است که والیان با نخبه گان محلی برای کسب حمایت به منظور کاهش کشت کوکنار در محلاتی انجام که داده رفاه مردم در حال بدتر شدن است و دولت بر انواع خشونت تسلط ندارد. این گزارش نشان میدهد که هر گونه شرایطی در خواست اداره ی کنونی برای منع کشت کوکنار منجر به "حاکمیت بیشتر" - تلاش برای گسترش دسترسی به ساحات فزینی بیشتری شده که سابقه دسترسی اندک مستقیم را داشته، ارتباط میان دولت و نخبگان محلی در شکننده ترین وضعیت قرار داشته و تلاش های قبلی برای وضع قوانین مرکزی بالای مردم، منجر به واکنش های خشونت آمیز شده است.

در نهایت این گزارش دو خط متفاوت از هم مشمول جمعیت متفاوت در این دو ولایت را برجسته میسازد. خط اول در مورد جمعیتی به کار برده میشود که دولت افغانستان سابقه کنترل موثر بالای مردم روستایی از طریق نخبگان محلی را داشته که علاقه فراوان به هم صف بودن با قدرتمندان در دولت را دارند. در چنین ساحاتی منابع وجود دارد و دسترسی به مارکیته باعث دوری از کشت کوکنار شده و در چنین ساحاتی دولت و منع کشتش کوکنار میتواند موفق شود.

خط دوم، یک مسیر خیلی دشواری را ترسیم میکند. این خط در مورد جمعیتی به کار میرود که دارای سابقه مقاومت مسلحانه در برابر مداخلات دولت، سیستم ازاد قبایلی و از داخل تقسیم شده، در حال رقابت و نخبه گان روستایی ناپایدار به شمول چهره های سیاسی است که علاقمند سودجویی از ناتوانی رقبای شان هستند. در این ساحات فرصت های زندگی به شدت محدود بوده، از مارکیته فاصله داشته و منابع اندکی در اختیار دارند. در چنین ساحاتی، منع کشت کوکنار مقامات و رهبری سیاسی محلی را با چالش های

بزرگی مواجه کرده و مردم محل را به پیروی از ستراتیژی های مبارزه با مواد مخدر که تهدید های فزاینده را متوجه آنان میسازد، وا داشته و منجر به مخالفت فزاینده آنان در برابر دولت افغانستان و حامیان خارجی شان شده است. این ساحات شامل محلاتیست که، در نبود حمایت نظامی خارجی پس از دسامبر ۲۰۱۴، اگر زود تر اتفاق نیافتد، دولت گزینه کمتری خواهد داشت مگر اینکه ممنوعیت کشت کوکنار را بردارد، از روستا های دور افتاده عقب نشینی کند و در صورتی که خود را در کنار مردم و نخبه گان محلی نیافت، راه های جدیدی را برای در تماس شدن با آنان جستجو کند.

این گزارش نشان میدهد که بر اساس شواهد از هلمند و ننگرهار، در مقایسه به گفت های دولت افغانستان، به گفته برخی ها، توسعه منع کشت کوکنار در ساحات بیشتری جغرافیایی، صرفنظر از شرایط اجتماعی- اقتصادی و سیاسی، در واقع ساختار دولت را تحت شعاع قرار داده، نارضایتی مردم روستایی را بیشتر ساخته و باعث ایجاد فرصت های جدیدی برای شورشگری شده است. این روند و از سرگیری کشت کوکنار پس از سال ۲۰۱۴ پیامد های هم برای دولت افغانستان و هم کشور های غربی خواهد داشت که در حال برنامه ریزی به منظور فراهم کردن کمک های توسعه ای برای دولت افغانستان است.

نتیجه گیری

بارفیلد^۱ روی مشکلات ارثی که رهبران افغان در داشتن کنترل بر قلمرو افغانستان تجربه کرده اند، اشاره میکند:

آئنده رهبران افغان که به خوبی در جریان (قرن بیستم) موفق شده اند، ستراتیژی 'Wizard of Oz' را به کار برده اند. آنان دولت شان را کاملاً نیرومند خوانده اما با تطبیق برخی سیاست های جنجال برانگیز این ادعای شان را به خطر انداخته اند. آئنده رهبران که استعداد ناکامی و ساقط کردن نظام را دارند، رهبرانی اند که قدرت را آنطوری که میل دارند، تصاحب میکنند و بعد مخالفان را تحریک میکنند که رژیم شان ناتوانی شان برای سرکوب را به اثبات رسانند.

بارفیلد امکان بازگشت افغانستان به "یک سیاست محلی" را مشخص میکند برتری مسلط در مرکز نسبت به دیگر مناطق از مشخصه های آنست که هر منطقه نخبه گان سیاستی خود را دارند.^۲ در این سیاست، بارفیلد استدلال میکند که قدرت سیاسی در مرکز، در صورت تمایل به حفظ آن ناچار است با اهداف خود برای تسلط بر مناطق کنار بیاید.

این موضوع با مناطقی که والیان به گونه تاریخی ناچار به دادن خودمختاری قابل توجه به محلاتی شده اند که دسترسی به منابع محدود بوده و ساختار اجتماعی طوری بوده که آنان خود را در دایره دولت حس نکنند، خیلی واضحاً دقیق و مشابه هم است. در چنین ساحاتی دولت در تلاش مدیریت اختلافات است. به این هدف که دولت به توافقاتی با گروه های مختلف قومی دست یافته که میتواند راهی برای حفظ نظم و کاهش تهدید از سوی کسانی باشد که در مناطق دورافتاده ممکن دست به شورش و ایجاد بی نظمی در روستا های پایین افتاده بزنند، تهدید وقوع خشونت از سوی دولت در چنین معاملاتی خیلی سازنده بوده و زمانی که با پرداخت پول به نخبه گان روستایی و پیشنهاد امتیازاتی به جمعیتی بزرگتری یکجا میشود، دولت میتواند بخش اعظم از خاک افغانستان را مدیریت کند، نه از طریق تمرکز روی انواع خشونت بلکه از طریق نمایش سالم قدرت و دقت در معاملات.

چنانکه فصل کشت در سال های ۲۰۱۱-۱۲ نشان میدهد که منع کردن تولید تریاک به این شکل آن، بی ثباتی را به اثبات رساند و تلاش های اخیر برای ساختن دولت در هر دو ولایت هلمند و ننگرهار را زیر سوال برد. در ولایت ننگرهار کشت کوکنار در ولسوالی های بالا در نزدیکی مرز پاکستان بیشتر افزایش یافت، جاییکه قدرت دولت به گونه فزاینده ی در رقابت است و دسترسی به معیشت بدیل محدود است. مخالفت با دولت در این ولسوالی های جنوبی در جریان فصل های کشت در ۲۰۱۱-۱۲ رسماً اعلام شد و شواهد قوی مبنی بر حضور شورشیان در ولسوالی های پایین مثل شینوار و بتی کوت در استانه فصل کاشت سال ۲۰۱۲-۱۳ وجود دارد.

۱ تاماس بارفیلد، افغانستان: تاریخ فرهنگی و سیاسی (پرنستون و آکسفورد، دانشگاه مطبوعات پرنستون، ۲۰۱۰)، ۶۰-۶۱.

۲ تاماس بارفیلد، افغانستان: تاریخ فرهنگی و سیاسی، ۱۶۴.

نزاع بر سر زمین در ولسوالی اچین یکجا با تاثیرات ناشی از منع کشت کونکار سبب شد که مردم روستا در برابر تحرکات دولت مقاومت کنند. حالا عوامل مخالف دولت در روستای بالای مهمند پایگاهی ساخته و گزارش های از تحرکات فزاینده شورشیان در محلات پایین وجود دارد که برای به عنوانی تلاشی برای کسب حمایت مردم روستایی انجام میشود. بزرگان قومی در ولسوالی اچین که در حمایت از برنامه دولت برای منع کشت کونکار در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ خیلی مفید بودند و با امضای "توافقنامه شینواری" در فبروری ۲۰۰۹ رسماً توافق کرده بودند که تحرکات گروه های شورشی را محدود کنند، حالا به گونه روزافزونی در همکاری با دولت از احتیاط کار میگیرند و برخی شان میگویند با مخالفان محلی اداره ولایتی به توافقاتی دست یافته اند.

در ولسوالی خوگیانی، شورشگری در ولسوالیهای بالا مثل پیرا خیل و زواه هم مرز با شیرزاد محدود نمانده بلکه به روستا های پایین نیز راه یافته است. سابقه مقاومت در برابر دولت و درز عمیق میان نخبه گان روستایی در ولسوالی خوگیانی تلاش های دولت افغانستان برای ایجاد یک رابطه پرمعنی با مردم محل را که بیرون از مرکز ولسوالی زندگی میکنند، زیر سوال برده است. واکنش خشونت آمیز در برابر تلاش های دولت برای تخریب مزارع در سال ۲۰۱۲ حتی در مناطق بیشتر قابل دسترس مثل میمله نشان داد که عوامل مخالف دولتی تا چه حد منظم در داخل ولسوالی جا گرفته اند. بازگشت به کشت کونکار در مناطق پایینی ولسوالی مثل خيله گو و همچنان در ساحات نزدیک به مرکز ولسوالی، انعکاس دهنده این حس در میان مردم روستاست که دولت ضعیف است.

کشت دوباره کونکار در این مناطق نشانه واضح از عقب نشینی دولت در ننگرهار است، گل آغا شیرزی والی ننگرهار به گونه فزاینده منزوی شده و نمیتواند به بسیاری از ولسوالی های سفر کند که قبلاً به آنجا رفته بود و منع کشت کونکار در فصل کشت در سال های ۲۰۰۷-۰۸ و همچنان ۲۰۰۸-۰۹ را اعلام کرده بود. شیرزی در پی اختلالات در روابطش با نخبه گان سیاسی ولایتی و مقامات در کابل در نتیجه انتخابات های ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ خود را در میان تنها چند حامی سیاسی اش در این ولایت میباید. با علاقه به تجارت که والی فعلی در داخل این ولایت ایجاد کرده بود، هیچ راه مشخصی برای انتقال سرمایه اش وجود نداشت و سفرهایش را برای فرماندهان سابق جهادی و جانشینان سیاسی شان که برای افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ آماده میشدند، جذابتر ساخته بود.

مردم روستایی در ولسوالی های جنوبی در پی جبران خسارات شان هستند، کشت کونکار در ۲۰۱۱-۱۲ نه تنها به پیمانانه بزرگی در ولسوالی های شیرزاد، حصارک، چپرهار، خوگیانی، پچیرآگام، ده بالا، نازیان و اچین کشت شد بلکه برای نخستین بار از سال ۲۰۰۷ بدینسو، کونکار در محلات خیلی قابل دسترس روستاهای پایین قابل دریافت بود. برخی محصولات در حوزه دریای کابل در بخش های پایینی ولسوالی ها مثل کانال های کوچک و یا منطقه ویاله در شینوار به چشم میخورد. زمانیکه کمپاین محو کشتزار های کونکار به رهبری دولت برخی از مزارع را در مناطق بیشتر قابل دسترس در این ولسوالی ها تخریب کرد، این امر سبب برانگیختن خشونت های در ننگرهار شد که از سال ها بدینسو ربطی به تخریب کشتزار های کونکار نداشت. این خشونت ها همچنان میتواند به این معنی باشد که کمپاین محو کشتزار ها به برخی از ساحات بالایی این ولسوالی ها به ویژه شیرزاد، خوگیانی و اچین، جایی که حضور عوامل مخالف دولت خیلی گسترده است، راه نیافت.

پروسه های مشابه اجتماعی را میتوان در هلمند مرکزی نیز مشاهده کرد. منطقه زیرآب نهر دیگر ساختار قومی منظم و واحد و نخبگان ارشد اشرافی را ندارد که در محلات دولتی در ولسوالی های پایین ولایت ننگرهار مستقر میباشند. در عوض سایر مناطق زیر فرمان نهر ولایت هلمند گروه های قومی متعددی با نخبگان روستایی مربوطش را دارد که همه برای بدست آوردن منابع و نفود سرسختانه رقابت میکنند. در حالیکه آمیزه ی از گروه های قومی، هم از مهاجران و هم از افراد بومی محل، در منطقه زیر فرمان نهر، در تیوری برای دولت این را ساده تر میسازد تا مردم روستایی را ناگزیر سازد، تاثیرات جنگ طولانی مسلحانه در جنوب افغانستان، توانایی دولت برای تمرکز روی استفاده از انواع خشونت را زیر سوال برده است.

کنترول منطقه زیر فرمان نهر از سوی آن‌اینکه مقاومت در برابر نیروهای شوروی را در این ولایت رهبری میکردند و بیشتر شان وابسته به اقوام با نفوذ در مناطق شمالی هلمند هستند، از طریق غضب زمین در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و گماشتن شان در پست‌های دولتی در سال‌های اول اداره کززی، جغرافیایی سیاسی این ولایت را متحول کرده است. مثل ولسوالی‌های جنوبی ولایت ننگرهار، دولت در ولایت هلمند با طرف‌های بیشمار روبروست که کنترول محدودی بر ساحات جغرافیایی دارند. در صورت نیاز این طرف‌ها برای اینکه نسبت به رقبای شان در روستای خود شان یا روستای نزدیک شان دست بالاتری داشته باشند، انتظار حمایت اداره مرکزی و محلی، خارجی‌های غیرنظامی و نیروهای نظامی و شورشیان را دارند. ماهرترین رهبر محلی روابط اش را با تمامی هر سه گروه حفظ میکند تا مطمئن شود که صرفنظر از اینکه کی دست بالاتر در محل دارد، حمایت قوی را با خود دارد. ادامه منع کشت کوکنار در چنین نوع فضای سیاسی و اقتصادی میتواند توافقات شکننده میان قدرتمندان دولتی، نخبه‌گان محلی و مردم محل را زیر سوال ببرد.

در نبود معیشت بدیل، مردم روستاها منع تولید تریاک را غارت و ناکامی بزرگان محل در حفظ منافع جامعه میدانند. این امر خسارات چشمگیر رفاهی را به کسانی وارد میکند که دسترسی به منابع کافی ندارند و کشاورزان را به ادامه مبارزه با ستراتیژی و امیدارد که هم ظرفیت عواید آینده شان را متاثر میسازد و هم آنان را با خطرات فزینی مواجه میکند. تمرکز بر کمک‌های توسعه‌ی بدست نخبه‌گان محل، تلاش‌های دولت برای توسعه بیشتر برای مردم و بعداً انتقال آن به رهبری محلی را کم ارزش تر میسازد.

در نتیجه تقابل با نیروی بزرگ به شکلی که مبین تهدید قدرت نظامی خارجی باشد، مردم روستایی در این ساحات گفته اند که کشت کوکنار را در کوتاه‌ترین مدت متوقف میکنند. بانهم، شواهد نشان میدهد که کشاورزان و نخبه‌گان رقیب محلی روی قوای نهانی قدرت سرمایه‌گذاری میکنند که با تغییر در توازن قوا و بازیگران دولت و حامیان خارجی شان دیگر روی انواع خشونت تمرکز ندارند و زمینه بازگشت به کشت کوکنار را مساعد میسازد. در هلمند مرکزی پاسخ به منع کشت کوکنار، منصفاً بلاوقفه بوده و باعث افزایش شماری از کشاورزانی شده که به شمال نهر بغرا تغییر مکان داده اند، جایکه طالبان بر آن تسلط دارند. بی میلی‌های ابتدایی برای مخالفت با گروه‌های شورشی در ولسوالی‌های جنوبی ولایت ننگرهار، تأثیرات فزاینده‌ی ناشی از منع کشت کوکنار و اثرات تکان‌های یکباره به مردم محل را از هم پاشید.

در نهایت، شرایطی که منجر به کشت کوکنار در سطح پایین در ولایت‌های ننگرهار و هلمند شد، دیگر وجود ندارد. به گونه مشخص با خروج نظامیان غربی از مناطق روستایی افغانستان، انتقال بنیادی صورت خواهد گرفته. بانک دولت افغانستان میتواند در روستاهای حاصلخیز پایین، جایکه سابقه طولانی حاکمیت دولت را دارد و مردم شاهد پیشرفت رفاه شان در یک دهه‌ی اخیر بوده، کامیاب شود، کشت کوکنار در سطح پایین در مناطقی که قدرت دولت به شکل فزاینده‌ی به رقابت گذاشته شده، باقی نخواهد ماند. در چنین محلاتی، عوامل دولتی به شمول نیروهای امنیتی افغانستان میتوانند به توافقی با کشاورزان محلی و نخبه‌گان محلی در مورد کشت کوکنار دست یابند که این امر از طریق درک اینکه تولید تریاک میتواند به عنوان منبعی در استان‌های کاهش پول‌های کشور های غربی و احتمال خطر انتقال مالکیت که متوجه مردم روستا و بدیل شورشگری باشد، ممکن است.

احتمال افزایش چشمگیری در میزان کشت کوکنار در سال‌های ۲۰۱۲-۱۳ به ویژه در ادامه پایان ماموریت نظامی خارجی در دسامبر سال ۲۰۱۴ در هر دو ولایت، بالاست. آنچه هنوز واضح نیست اینست که دولت در کابل و جامعه جهانی چگونه به این مسئله پاسخ خواهند گفت. همچنان روشن نیست که در حال حاضر جامعه جهانی در موضوع مبارزه با مواد مخدر چه خواهد گفت. این واضح است که پیگیری فعالیت‌های انفرادی مبارزه در کار با مواد مخدر ناکاراً بوده است. تمرکز روی تغییرات در مقدار تولید سالانه، میزان کشتزارهای محو شده و شمار ولایات عاری از کشت کوکنار اخلاص‌کننده دانسته شده و برخی اوقات مانع توسعه‌ی اهداف درازمدت میشود که روی دلیل مختلف کشت کوکنار در میان تلاش‌های دولت سازی در افغانستان میشود. برعلاوه این گزارش، نشاندهنده ناکامی در مدنظر گرفتن واقعیت‌های متعدد روستای در افغانستان، سابقه متفاوت مداخله دولت در مسایل مختلف جغرافیایی و سیاسی در برخی محلات، خسارات ثابت شده‌ی ناشی از دستاوردهای ادامه کاهش در کشت کوکنار و همچنان واقعیتگرایی در اهداف ثابت سازی است.

با اینهمه، به نظر میرسد پافشاری فزاینده‌ی میان سیاست‌گذاران در پایتخت وجود دارد و حس اینکه شمار روز افزون سیاستمداران و عاملان توسعه به این باور اند که میتوانند برنامه‌های کاری شان را در افغانستان بدون اقتصاد مواد مخدر حفظ کنند. بعید به نظر نمیرسد که برنامه‌ای، به طور مثال، افزایش قابل توجه میزان زمین‌های آبیاری شده در حوزه دریای هلمند، میتواند به اهداف توسعه‌ی تعیین شده‌اش در محل یا تقویت تأثیرات اجتماعی شود که روی زمین‌های که تازه بالای آن افراد مستقر شده‌اند، کوکناری که برای تجارت غیرقانونی مواد مخدر، مقدر شده بود، کشت شود.

مشابه آن، یک استراتژی‌ی سیاسی که حضور کالای غیرقانونی بی‌را رد میکند که در حال حاضر ارزش ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی، و در سطح کشور^۳، و به شکل قابل توجهی در ولایاتی یافت میشود که در آن تریاک تولید میشود و انتظار میرفت که با کاهش کمک‌های نظامی و توسعه‌ای افزایش یابد، حالا با توجه به پوتانسیل پول مواد مخدر برای نفوذ در انتخابات ریاست جمهوری پیشرو و شکل دهی آینده سیاسی جابه‌جایی در منطقه کاهش خواهد یافت. همه انتظار اند تا ببینند که دولت‌های غربی چگونه خواهند توانست تا حمایت داخلی را برای سرمایه‌گذاری در آینده‌ی افغانستان کسب کنند، جاییکه مواد مخدر برای نخستین بار و قبل از اینکه لقب "کشور مواد مخدر" را از طریق رسانه‌ها رقم بزند، مقدار بزرگ زمین‌های زراعتی را در تصرف‌اش داشت. شواهد نشان داده‌است که اجرای مبارزه با مواد مخدر و به ویژه ادامه منع کشت کوکنار یک اشتباه را به اثبات رسانده‌است. با اینهمه، نادیده گرفتن کلی موضوع مواد مخدر به دلیل پیچیدگی، پویایی و دشوار بودن معرفی آن، شبیه تعصب و به گونه بالقوه غیرموثر است.

۱۳ سال

تحقیق باکیفیت



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
(خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۷۹۹ ۶۰۸ ۵۴۸ (۰) ۰۰۹۳
ایمیل: publications@areu.org.af
وب سایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.